



جلو‌های تربیت در دعاهای قرآنی

(از ص ۶۷ - ۸۶)

دکتر دل آرا نعمتی پیرعلی^۱

چکیده

خداوند انسان را برای عبودیت خلق کرده و نه پرورش عابد و هدف از تربیت اسلامی، پرورش عبد عاشق است و به عبارت دیگر رشد، قرب و حیات طیبه که حیات مقرون به عشق الهی است والاترین هدف خلقت و قرآن کریم است. از اینجا که تربیت معنوی انسان بر پایه‌هایی همچون شناخت صحیح، انتخاب و در نهایت عمل استوار است و دعا یکی از عبادات مهم است که برای هدایت و تربیت معنوی انسان مورد اهتمام است. قرآن کریم در ضمن آرایه الگوهای صحیح دعا، انسان را به شناختی صحیح از حقیقت خود، خدا و هستی رهنمون ساخته و با لحاظ نمودن ویژگی‌های طبیعی و عمومی بشر، اصول و روش‌های تربیتی ویژه‌ای را در خلال آیاتی که ارتباط وثیق با دعا دارند ارائه نموده است. یکی از مهم‌ترین اصول مؤثر در تربیت، توجه به اصل «تأثیر باطن بر ظاهر انسان» است و برخی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی که در قرآن مورد اهتمام قرار گرفته روش اعطای بینش، اسوده‌سازی، بیان نتایج اعمال و تبشیر است. قرآن کریم با بهره‌گیری از این عوامل در ضمن آرایه نمونه‌های عینی از صنوف مختلف بشری، مخاطب خود را در مواجهه‌ای تنگاتنگ با موقعیت‌ها و گروه‌های مختلف قرار داده و او را به الگوبرداری و تشابه یافتن در اعمال و احوال و اطوار گروه‌های ایمانی ترغیب می‌نماید و لذا می‌توان گفت که شکوه‌مندترین جلوه‌های تربیت معنوی انسان در دعاهای قرآنی جلوه‌گر شده است.

کلید واژه‌ها: قرآن، دعا، تربیت، روش‌های تربیتی، عبودیت.

مقدمه (طرح مسأله)

تصور نادرست از دعا این است که گمان کنیم، دعا عبارت است از حاجت خواستن، آن هم خواستن‌هایی خرد و محدود به زندگی روزمره و تصور نادرست‌تر این است که گمان کنیم فایده دعا، فقط در استجاب آن است. خداوند خود ما را دعوت به دعا کرده و قول اجابت آن را هم به ما داده است. اما مهم‌ترین هدف از این دعوت، هدایت و ایصال انسان به مسیر کمال است. مغز دعا و عبادت چیزی نیست جزء ابراز بندگی و اظهار اضطراب و افتقار، دعا و اقبال بنده به سوی خداست. که آن روح عبادت است قرآن می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات، ۵۶). هدف از خلقت عبادت است و عبادت در حقیقت، حرکت به سوی خدا و کسب رضایت اوست. دعاهای قرآنی نیز افتقار انسان و غنای خداوند را گوشزد کرده و این شناخت نسبی و فطری را در انسان تعمیق می‌بخشد. قرآن با بیان دعای انبیاء و اولیاء و نیز مؤمنین و اهل بهشت، بر این مسأله تأکید می‌ورزد که دعاهای اصلی همه گروه‌های ایمانی، درخواست مقام عبودیت و رسیدن به مقام قرب الهی و مقام تسلیم بوده است. قرآن با تشویق انسان بر دعا کردن و با توصیف خدا به عنوان ربّ ولیّ رحیم قریب و با توصیف انسان به عنوان موجودی سراسر نیاز و احتیاج و با بهره‌گیری از روش‌های تربیتی نظیر اعطای بینش، اسوه‌سازی، بیان نتایج اعمال و تبشیر، انسان را تحت برنامه تربیتی ویژه خود قرار داده و به او می‌آموزد که اولاً خودش کیست و خدایش چگونه خدایی است و ثانیاً از چنین خدایی چه چیزی باید بخواهد و چگونه باید بخواهد. انسان با بهره‌گیری شایسته از این برنامه تربیتی به سر منزل مقصود که همان رسیدن به معنویت و درک مقام بندگی و حلاوت ذکر و دعاست راه می‌یابد و درمی‌یابد که در

دعا انس و همنشینی و رازگویی با خدا، مقدم بر حاجت خواستن است.

تعریف دعا:

برای دعا دو تعریف می توان ارائه نمود:

۱. تعریف لغوی: معانی اصلی در ماده دعو توجه به چیزی، رغبت و میل به آن و یا روان شدن و سیر کردن به سوی آن است و همه این معانی در اصل به معنای طلب و خواستن آن چیز برمی گردد. (ابن فارس، ۲/۲۷۹) یعنی دعا عبارت است از این که انسان به چیزی مایل شود آن را بطلبد با این هدف که توجه آن را به سوی خود جلب کند (مصطفوی، ۳/۲۱۷).

۲. تعریف اصطلاحی: دعا در اصطلاح بدین معناست که فرد فرودست، از فرد برتر، با حالت خضوع و افتادگی چیزی طلب کند (احمد بن فهد حلی، ۱۹). با توجه به معانی لغوی و اصطلاحی دعا می توان گفت دعا از این جهت که عبارت است از توجه به خداوند متعال و خواندن او با هدف جلب عنایت حق تعالی به سوی خود، یکی از وجوه اصلی عبادت است که در فرهنگ اسلامی توجه و اهتمام خاصی به آن شده است.

اهمیت دعا:

اهمیت دعا از دیدگاه قرآن به حدی است که می فرماید: «قُلْ مَا يَعْبَهُوا بِكُمْ رَّبِّي نُوَلِّا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا» (الفرقان، ۷۷). «بگو: اگر دعای شما نباشد پروردگرم هیچ اعتنایی به شما نمی کند». در اهمیت دعا همین بس که قرآن، آن را عبادت خدا معرفی کرده و بر سرکشان از آن، جهنم را وعده می دهد: «... اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (غافر، ۶۰). «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت کسانی که از پرستش من کبر می ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی آیند». امام صادق (ع) در بیان اهمیت آن فرموده اند: «قال امیرالمومنین (ع): أحب الأعمال إلى الله عزوجل في الارض الدعاء...» محبوب ترین

کارها در روی زمین نزد خدای عزوجل دعاست (کلینی، ۲۱۰/۴).

دعا در قرآن براساس برنامه‌های تربیتی ویژه ارائه شده و هدف از ارائه آن‌ها آشنا ساختن انسان با مفهوم دعا، اهداف اصلی از دعا، بیان آداب و آیین دعا و شروط استجاب آن است و از این طریق هم ماهیت دعا را که عبارت از انس با خداست مشخص می‌کند و هم هدف از دعا را که رسیدن به مقام عبودیت است بیان نموده و هم عامل استجاب دعا را که اخلاص و انقطاع الی الله می‌باشد آموزش داده و هم براساس آن انسان را تحت برنامه تربیتی خود قرار داده و از او انسانی خواهان معنویات و مقام قرب عبودیت می‌سازد از این رو مطالعه دعاهای قرآنی بسیار حائز اهمیت است.

تعریف تربیت:

برای تربیت نیز دو تعریف می‌توان ارائه نمود:

۱. تعریف لغوی: تربیت از ماده (ر ب ب) است و رب به طور مطلق بر مالک، سید، مدبر، مربی، قیم و منعم اطلاق می‌شود (ابن منظور، ۱۴/۳). معنای مصدری آن نیز عبارت است از پروراندن پی در پی چیزی تا حد نهایت و نقطه کمال آن (راغب اصفهانی، ۱۸۴).

۲. تعریف اصطلاحی: علما در تعریف اصطلاحی تربیت، بیانات متعددی ارائه نموده‌اند به عنوان مثال از نظر علمای اخلاق، تربیت عبارت است از پروراندن قوای جسمی و روحی انسان برای وصول به کمال مطلوب و از نظر روانشناسان، تربیت مراقبتی است دائم از حیات در حال رشد و ایجاد تغییر در فرد به منظور یافتن قدرت درک مسائل (قائمی، ۲۴) تربیت در اسلام با توجه به معنای ربوبیت پروردگار عبارت است از: شناختن خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر (باقری، ۴۴). تربیت اسلامی تربیتی است معنوی و عقلانی و هدف اساسی تربیتی مکتب اسلام پرستش خدای

یگانه است. یعنی خود را تسلیم حق نمودن و از او اطاعت کردن (شریعت‌مداری، ۲۳۷) با توجه به این تعاریف، معلوم می‌شود که مقصود از «کمال مطلوب» در تعریف علمای اخلاق، دست یافتن به اهداف تربیتی قرآن است که عبارتند از هدایت، تقوی، تقرب به خدا و کسب رضوان الهی.

اهداف و روش‌های تربیتی قرآن کریم

برخی از اهداف تربیتی قرآن عبارتند از:

۱. رشد: «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا» (الجن، ۲) به راه راست هدایت می‌کند پس به آن ایمان آوردیم: «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» (الکهف، ۱۰) «پروردگار ما از جانب خود به ما راحتی بخش و کار ما را چنان گردان که مایه رشدی برای ما شود».
- «... وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا» (الکهف، ۲۴) و بگو: امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیک‌تر به صواب است هدایت کند. رشد خلاف غی و گمراهی است و همانند هدایت استعمال می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۹۶). یکی از اهداف تربیتی قرآن کریم هدایت انسان به مسیر فلاح و رستگاری است.
۲. حیات طیبه: هدف از القاء تعالیم در قرآن کریم، اکرام حیات معنوی و پویا به مؤمن است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (النحل، ۹۷). «هر کس، از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیدیم...». احیاء عبارت است از القاء حیات در چیز و حیات طیبه حیاتی است غیر از حیات عامه که خداوند بر مؤمن عامل اکرام می‌کند و ویژگی آن این است که انسان قلبش را مرتبط به خدا می‌یابد و به واسطه این اتصال، غیر خدا را نمی‌طلبد و جز از خشم او نمی‌هراسد و به طور دائم سرور و کمال و عزت و لذت را در نفس خود می‌یابد (طباطبایی، ۱۲/۳۶۵ - ۳۶۶). بدون شک دعا یکی از عباداتی است که موجب اتصال

به خداوند و عالم معنی شده و بهجت معنوی را به بار می‌آورد.

۳. قرب: «... وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق، ۱۶) و ما از شاه‌رگ [او] به او نزدیک‌تریم. منظور از این قرب، نزدیکی روحانی به خداست در حدیث قدسی آمده که: «ما تقرب الی عبد بمثل أداء ما افترضت علیه و إنه لیتقرب الی بعد ذلك بالنوافل حتی احبه» (راغب اصفهانی، ۳۹۹) «بنده با هیچ چیز همچون واجبات به من تقرب نمی‌جوید و بعد از آن با نوافل است که به من تقرب می‌جوید تا جایی که من او را دوست می‌دارم». هدف از تشریح عبادات و القاحکام، رسیدن بنده به مقام قرب ربوبی است. بی‌شک تحقق این اهداف تربیتی در سایه توجه به ویژگی‌های عمومی انسان به عنوان مبانی تربیت انسان میسر خواهد بود و اصل «تأثیر باطن بر ظاهر» بیان‌گر یکی از ویژگی‌های عمومی مهم بشری است و منظور از آن این است که شؤون باطنی نظیر بینش و نوع تفکر و نیت انسان، بر اعمال و رفتار او تأثیر مستقیم و مهم می‌گذارد. از آن‌جا که تأثیر باطن بر اعمال ظاهری از ویژگی‌های عمومی بشر است و هدف تعالیم اسلامی تقویت بعد معنوی انسان و کمال او می‌باشد قرآن کریم در جهت تغییر تفکر بشر و ایجاد تحول در ضمیر او از روش اعطای بینش بهره‌جسته است.

روش اعطای بینش:

در این روش ایجاد دگرگونی در تلقی افراد، از جمله لوازم قطعی تغییر رفتارها و اعمال آن‌ها محسوب می‌شود (باقری، ۷۵). خداوند متعال در آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر، ۱۵). «ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است». دو نوع بینش هم‌زمان را به انسان القاء می‌فرماید: بینشی نسبت به انسان و فقر وجودی او و بینشی نسبت به خداوند متعال و غنای مطلق او. اعطای بینش نسبت به دنیا، حقیقت انسان، خداوند متعال، مرگ و جهان پس از آن در آیات بی‌شماری از قرآن کریم صورت گرفته است «... وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلْ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا

يَكُونُوا أَمْثَالَكُمُ» (محمد، ۳۸). «... و هر کس بخل ورزد تنها به زیان خود بخل ورزیده و [گرنه] خدا بی نیاز است و شما نیازمندید...»، و «فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ دِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (النجم، ۲۹). «پس از هر کسی که از یاد ما روی بر تافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب». و «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» (الأعلى، ۱۷). «با آن که [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است» «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هِذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر، ۳۹). «این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است و در حقیقت آن، آخرت است که سرای پایدار است». و آیات بی شمار دیگری که در مورد هستی و مظاهر آن بینشی صحیح و عمیق را به انسان اعطا می کنند. قرآن کریم در آیات متضمن دعا نیز همین روش را اتخاذ نموده و در ضمن بیان دعاهای گروه‌های مختلف به اعطای بینش می پردازد. دعای حضرت موسی (ع) بینشی عمیق از فقر ذاتی انسان اعطا می کند که حاصل آن چیزی جز اخلاص نخواهد بود. قرآن کریم دعای آن حضرت را چنین بازگو می فرماید: «فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (القصص، ۲۴). «پس برای آن دو آب کشید آنگاه برگشت بر زیر سایه و گفت: پروردگارا من اینک به آنچه از خیر و روزی که برایم فرستی نیازمندم». بیشتر مفسران این دعا را حمل بر درخواست طعام کرده‌اند و لذا بهتر است بگوییم منظور از «ما» در جمله «لما انزلت الی» نیروی بدنی است که بتواند با آن اعمال صالح و کارهایی که موجب رضای خداوند است انجام دهد. این اظهار فقر و احتیاج به نیرویی که خدا آن را بر وی نازل کرده، کنایه است از اظهار فقر به طعامی که آن قدرت بدنی را باقی نگهدارد. از این مطلب روشن می شود که موسی (ع) در اعمال خود مراقبت شدیدی داشته است و حتی اعمال طبیعی را هم به منظور رضای پروردگارش انجام می داده غذا را به این منظور می خورده که برای تحصیل رضای خدا نیرو داشته باشد (طباطبایی، ۳۴/۱۶). این آیه شریفه در چند زمینه آگاهی می بخشد: فقر مطلق انسان، غنای مطلق پروردگار، ادب پیامبر بزرگ الهی در دعا و چگونگی عمل برای رضای خدا. ذکر این دعا در قرآن کریم و القاء آگاهی‌های مذکور به نوعی

بینش عمیق در انسان منجر می‌شود که می‌تواند منشاء عمل خداپسندانه و خالصانه گردد. همچنین قرآن کریم در موضعی دیگر دعای حضرت ابراهیم و فرزندش را در طلب مقام عبودیت و تسلیم چنین بیان می‌فرماید: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (البقرة، ۱۲۸).

«پروردگارا، ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشنند به وجود آر و طرز عبادت‌مان را به ما نشان بده و توبه ما را بپذیر که تو، توبه‌پذیر و مهربانی». اسلام مانند ایمان، مراتبی دارد. مرتبه اول آن اقرار به زبان است و مرتبه آخر آن تسلیم محض گردیدن نزد اوامر مولی و تسلیم نمودن جان و مال و تمام هستی خود در راه رضای اوست و حضرت چنین مرتبه‌ای را از خدا می‌خواهد (امین اصفهانی، ۸۲/۲) و درخواست اسلام که عبارت است از مقام عبودیت (طباطبایی، ۴۲۷/۱) و تعبد و توبه‌گویی بیان مراتب صعودی سیر انسان است (طالقانی، ۳۰۶/۱).

در دعای دیگری که از آن حضرت در قرآن کریم مطرح شده، آن حضرت دعا را وسیله جلب فضل و کرم الهی معرفی می‌کند: «وَاعْتَرِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُرَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا» (مریم، ۴۸). «و از شما و آنچه غیر خدا می‌خوانید کناره‌گیری می‌کنم و پروردگارم را می‌خوانم و امیدوارم در خواندن پروردگارم بی‌پاسخ نمانم». حضرت با این دعا حالت بیم و امید خود را بیان کرده و با بیان بی‌زاری از بت‌ها، نشان می‌دهد که چون در مسیر حق قدم برداشته است به لطف و عنایت الهی امیدوار است و این خود بیانگر این حقیقت است که دعا باید با عمل و عبادت قرین باشد در دعای دیگری که قرآن کریم از آن حضرت بیان فرموده، بینشی دیگر را اعطا می‌کند آنجا که می‌فرماید: «وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ» (الشعراء، ۸۵). و مرا از ارث برندگان بهشت پر از نعمت و بخشش بگردان. حضرت ابراهیم (ع) در ضمن این دعا اعتراف می‌کند که خود هیچ است و از خود هیچ ندارد و لذا اگر به بهشت می‌رود آن هم از فضل و اراده خداوند است و لذا حضرت ابراهیم (ع) از خداوند می‌خواهد که

به او استحقاق و لیاقت ورود به بهشت و جاودان شدن در آن را عطا کند. بینش مهمی که این دعا اعطا می کند این است که «انسان به بهشت نمی رسد مگر به استحقاق» (طوسی، ۳۴/۸). و در دعای دیگر آن حضرت این بینش تکمیل می شود آنجا که دعا می کند: «وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ» (الشعراء، ۸۷). «و مرا روزی که مردم برانگیخته شوند شرمگین مگردان». حضرت در این دعا در مقام اخلاص و انقطاع است زیرا انبیاء مرتکب عمل قبیح نمی شوند (طبرسی، ۳۳/۱۸). یعنی حضرت به مقام انقطاع رسیده و در این دعا، نهایت امید و اعتماد بر لطف پروردگار و نیز معرفت خویش بر نفس عاجز بشری را برمی نماید که انسان حتی اگر معصوم باشد وابسته به تفضل و کرم خداوند است. و اوج این بینش در دعای حضرت یوسف (ع) مطرح شده است آنجا که عرضه می دارد: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف، ۱۰۱).

«پروردگارا بخش (عظیمی) از حکومت به من بخشیدی و مرا از علم تعبیر خوابها آگاه ساختی، ای آفریننده آسمانها و زمین تو ولی و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی مرا مسلمان بمیران و به صالحان ملحق فرما». در این دعای مبارک خداوند ربّ و ولی و فاطر توصیف شده و این معنی را خاطر نشان می سازد که خداوند ربّ عالم است و ولی است هم در دنیا و هم در آخرت. ولایت او یعنی قائم بودن او بر هر چیز و بر ذات و صفات و افعال هر چیز و این خود ناشی است از این که او هر چیزی را ایجاد کرده و از عدم به ظهور رسانیده پس او فاطر آسمانها و زمین است و به همین جهت دل های اولیاء خدا و مخلصین از راه این اسم متوجه او می شود (طباطبایی، ۳۴۰/۱۱).

و حضرت با این دعا ضمن بیان اعتقاد والای خود به حق تعالی، مقام اخلاص در وقت حیات و الحاق به صالحان را پس از مرگ از خداوند درخواست نموده است. خداوند با طرح دعاهاى صنوف مختلف بشری از جمله انبیاء عظام الهی، درصدد اصلاح تلقی انسان از خدا، جهان، انسان و حقایق مربوط به آنهاست و لذا دعاهاى قرآن عرصه

اعطای بینش و میدان باز شناخت انسان و خداست و وسیله مطمئن و حبل‌المتین ارتباط عبد و مولی است.

روش اسوه‌سازی:

اسوه‌سازی عبارت است از ارائه الگوهای عملی به منظور تأثیرگذاری در فرد بدین ترتیب که نمونه رفتار و کردار مطلوب شخصیت‌های واقعی و تاریخی با هدف ایجاد تغییر و تحول مثبت در رفتار و کردار انسان ارائه گردد. قرآن کریم براساس اصل «وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» (الفتح، ۲۰). تا برای مؤمنان نشانه‌ای باشد و شما را به راه راست هدایت کند، به شکل‌های مختلف و در زمینه‌های متعدد از این روش بهره‌جسته و با صراحت الگوهای را جهت بهبود وضعیت اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی انسان معرفی می‌کند آنجا که می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (الأحزاب، ۲۱) قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند و نیز می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...» (المتحنه، ۴). «قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست. قرآن کریم در اکثر موارد الگوهای مطلوب را بدون هیچ تصریحی ارائه نموده است که یک نمونه از آن ذکر دعاهای انبیاء و ویژگی‌های آن‌هاست که ادب در خواست در محضر الهی را به زیباترین نحوی به تصویر کشیده و در خلال آن راه بندگی، شیوه درخواست و نوع درخواست را به انسان می‌آموزد. به عنوان مثال دعای حضرت ابراهیم به همراه فرزندش را پس از بناء خانه کعبه چنین بازگو می‌کند: «... رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (البقرة، ۱۲۷). «ای پروردگار ما، از ما بپذیر که در حقیقت تو شنوای دانایی». آن دو بزرگوار در پیشگاه الهی آن چنان حالت خضوع و انقطاعی داشتند که زحمات خود را به هیچ انگاشته و نامی از

کار خود به زبان نیاوردند گویا آنان چنان در برابر عظمت و اراده خدا مقهور بودند که کار بناء در نظرشان ناچیز بود (طالقانی، ۳۰۲/۱) و تمام همت آن دو بزرگوار و نهایت آرزوی آن‌ها کسب رضای الهی بود (هاشمی، ۳۴۱/۱). ویژگی‌های برجسته‌ای که در این دعا وجود دارد عبارتند از: ۱- مقرون بودن دعای آن دو به تلاش و کوشش ۲- آن‌ها با وجود خدمت به پیشگاه الهی، همچنان خود را مضطر و فقیر مطلق برشمرده و در برابر خداوند تواضع می‌ورزند. ۳- در دعای خود به مقام ربوبیت الهی متوسل شده و نام نیکوی «رب» را بر زبان جاری ساختند. ۴- تنها هدفشان قرب به درگاه الهی و جلب رضایت حق تعالی است و لذا پاداش عمل خود را، پذیرش آن در بارگاه لطف الهی می‌دانند و برای خود چیزی را درخواست نمی‌کنند. قرآن کریم دعا‌های دیگر آن حضرت را ارائه فرموده و مهم‌ترین درخواست‌های آن جناب را که شامل برپایی حق و رونق یافتن حج خانه خدا (ابراهیم، ۳۷)، تداوم دین حق (البقرة، ۱۲۴ و ۲۶۰؛ الشعراء ۸۴)، تسلیم محض (البقرة، ۱۲۸) و دخول در زمره نمازگزاران (ابراهیم، ۴۰) می‌باشد به عنوان الگویی برای تمام بشریت مطرح می‌کند. قرآن کریم دعا و مناجات شکوهمند حضرت یوسف (ع) را هنگامی که در اوج قدرت و عزت است چنین بیان می‌فرماید: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف، ۱۰۱).

دعای حضرت، دعای انسانی موحد، مومن، شاکر و روشن ضمیر است. او در اوج قدرت مادی، خود را بنده‌ای می‌بیند که در عین فقر ذاتی مشمول لطف و رحمت خدا قرار گرفته است و لذا از فرط محبت پس از برشمردن نعمت‌های الهی ثنای خداوند را کامل نموده و عرض می‌کند ای هستی بخش آسمان‌ها و زمین ولی من در دنیا و آخرت تنها تویی. این دعا کمال عبودیت و بندگی و سرسپردگی پیامبر عظیم الشان الهی را به تصویر می‌کشد که جز مقام تسلیم و الحاق به صالحان در آخرت چیزی از خدا نمی‌خواهد. در دعا‌های انبیاء دیگر نیز این بینش عمیق و عشق سوزان نسبت به

خداوند و نیز رعایت ادب سوال در محضر الهی نمایان است آنجا که حضرت یونس (ع) در دعای خود لطیف‌ترین نکات را در مقام طلب حاجت به انسان عرضه می‌کند که آن اوج انقطاع و تسلیم در پیشگاه الهی در نهایت شدت و بلاست که نه تنها بر خواسته خود تصریح نکرده و در مقام سوال از خداوند ادب بلیغی را به نمایش می‌گذارد بلکه به ضعف و تقصیر خود اعتراف می‌نماید: «فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (الأنبياء، ۸۷). در دل تاریکی‌ها ندا در داد که معبودی جز تو نیست، منزهی تو، به راستی که من از ستمکاران بودم: چنین ادب بلیغی در دعا‌های حضرت ایوب نیز به چشم می‌خورد: «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسِيءٌ ضَرْبًا وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (الأنبياء، ۸۳). و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که: به من آسیب رسیده است و تویی مهربان‌ترین مهربانان. آن حضرت با توصیف پروردگار به «ارحم الراحمین» و عدم تصریح بر درخواست خویش، از سویی رضای خود به رضای الهی را اعلام نموده و از سوی دیگر به رحمت الهی پناه برده و امید و اعتمادش را بر ساحت حق تعالی این گونه بیان می‌کند، همچنین در داستان میقات که در سوره اعراف مطرح شده است، درایت در مقام درخواست و دلسوزی حضرت موسی جلوه‌ای خاص دارد «... تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ. وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ...» (الاعراف، ۱۵۵ - ۱۵۶). «این جز آزمایش تو، چیز دیگر نیست که هر کس را بخواهی (و مستحق بدانی) به وسیله آن گمراه می‌سازی و هر کس را بخواهی (و شایسته بینی) هدایت می‌کنی، تو ولی مایی، ما را بیامرز و بر ما رحم کن و تو بهترین آمرزندگان و برای ما در دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرر فرما». درایت حضرت موسی در مقام درخواست و نیز بندگی و خشوع او در این آیات شریفه این گونه نمایان شده است که آن حضرت با شیوه‌ای زیبا و غیر صریح، هم حوایج خویش را از خداوند طلبید و هم اظهار بندگی و تسلیم در برابر مشیت الهی نمود. اصولاً پیامبران الهی در اندیشه رساندن امت خود به حیاتی

نیکو در دنیا و آخرت هستند و به همین خاطر حضرت موسی، وقتی با سخنان خود، دریای رحمت الهی را به خروش می‌آورد، سعادت دنیا و آخرت را برای قومش درخواست می‌کند. البته قرآن کریم تنها به ذکر دعاهای پیامبران اکتفا نفرموده و به منظور ارائه الگوهای متفاوت، دعاهای صنف‌های مختلف مؤمنین را نیز مطرح نموده است. به عنوان مثال خداوند آسیه همسر فرعون را به عنوان الگوی تمام و کمال استقامت در راه ایمان برای کلیه مؤمنین معرفی نموده و دعای او را که تحت شکنجه‌های فرعون بیان شده است چنین بازگو می‌فرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنُ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (التحریم، ۱۱) «و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت: پروردگارا پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز، و مرا از فرعون و مردم ستمگر برهان». نحوه دعای این زن به هنگام شکنجه شدن نشان می‌دهد که او به تمام مظاهر مادی و دنیوی بی‌علاقه بوده و فقط آرزوی قرب پروردگار را داشته است و این نهایت خلوص و انقطاع او را از غیر خدا نمایان می‌سازد و بلقیس اسوه تعقل و خرد ورزی که به محض رؤیت معجزات حضرت سلیمان (ع) و حصول اطمینان از رسالت او، بدون توجه به موقعیت و منافع خود، ایمان آورد و به استغاثه به درگاه خدا روی آورد قرآن کریم دعا و استغاثه او را چنین بیان فرموده است: «... قَالَتْ رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (النمل، ۴۴).

«گفت: پروردگارا، من به خود ستم کردم و [اینک] با سلیمان در برابر خدا، پروردگار جهانیان، تسلیم شدم». و قصه نذر همسر عمران، حالات قلبی و ایمان و توجه آن زن به ربّ خویش در سوره آل عمران مطرح شده است: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَةٌ عِمْرَانَ رَبِّ اِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (آل عمران، ۳۵). «[به یاد آورید] هنگامی را که همسر عمران گفت: خداوند آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم تا آزاد شده (از مشاغل دنیا و پرستش گر تو) باشد، از من بپذیر که تو خود

شنوای دانایی». لحن این آیه و مضمون این دعا، بر آگاهی عمیق درونی همسر عمران دلالت می‌کند این دعا اعتقاد عمیق این زن مؤمن و تبتل و احساس حضور را در محضر الهی به نمایش می‌گذارد. تعبیر «محرر» حکایت از خلوص مطلق دارد، زیرا هیچ کس آزاد نمی‌شود مگر این که به طور کامل و در تمام شوون زندگی و اعتقادات و قوانین و شرایع زندگی، برای خدا خالص باشد و این دعا از همسر عمران، نشان‌گر اسلام خالص و توجه کامل به ربّ و آزادی از هر قید و بند و تجرد از هر چیز و هر کسی جز ربّ و رضای ربّ است (سید قطب، ۳۹۲/۱). همچنین قرآن کریم دعای دو گروه از مردم را بیان فرموده و با بیان کیفیت دعای مؤمنین که با توجه به آخرت، نصیب خود را از دنیا فراموش نکرده‌اند آن‌ها را به عنوان اسوه‌های عملی معرفی می‌نماید: «فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (البقرة، ۲۰۰ - ۲۰۲). «و از مردم کسی است که می‌گوید: پروردگارا به ما در همین دنیا عطا کن و حال آن که برای او در آخرت نصیبی نیست و برخی از آنان می‌گویند: پروردگارا در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش دور نگه دار آنانند که از دستاوردهای بهرهای خواهند داشت و خدا زود حساب است». آیات فراوانی از قرآن کریم دعاهای مؤمنین و اهل بهشت را مطرح نموده است که توجه به آن‌ها موجب تنبیه انسان شده و الگوهای مناسبی را پیش روی آدمی قرار می‌دهد، مانند دعای عمومی مؤمنین که در سوره حمد مطرح شده «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (الفاتحة، ۶) که به قرینه «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس، ۶۱). «این که مرا بپرستید این است راه راست». درخواست مقام عبودیت و بندگی است و قرآن کریم با طرح این دعا، مقام قرب الهی را، سرمنزل مقصود معرفی می‌کند. دعای مؤمنین در طلب فرزند و همسر صالح (الفرقان، ۷۴) جلوه‌ای از حق‌گرایی و حق‌جویی مؤمنین است که از خدا توفیق طاعت خدا و دوری

از معصیت را خواستارند و خانواده‌ای را طلب می‌کنند که بر پرستش خدا آن‌ها را شاد گرداند. دعای مؤمنین در طلب رحمت و مغفرت الهی (المؤمنون، ۱۰۹) بیان‌گر حالت التجاء به خدا و توسل به لطف و رحمت الهی و توبه و طلب رستگاری است. دعای مؤمنین در رفع حقد و حسد (الحشر، ۱۰) نشان از اهتمام مؤمن در تصفیه روح و جان خود و توجه کامل به برادران دینی دارد. دعای مؤمنین در طلب نصرت الهی (الممتحنة، ۵) جلوه‌ای از حق‌مداری مؤمنین و پرهیز از تضعیف آئین حق است و آینه مؤمن واقعی است که هر چه می‌خواهد برای خدا می‌خواهد. و دعاهای متعددی که از لسان مؤمنین و اهل بهشت در قرآن کریم مطرح شده و هر یک در مقام الگوی مناسب ایمانی نصب‌العین مؤمنین مخاطب قرآن قرار گرفته و با تصویرگری افکار و اعمال آنان، تحول و تغییر مثبت در کردار و رفتار انسان ایجاد می‌کند.

روش بیان نتایج اعمال:

تأثیرپذیری انسان از موقعیت‌های زمانی، مکانی، و اجتماعی به معنای انفعال همیشگی انسان در برابر شرایط محیطی نمی‌باشد انسان از احساس مسئولیت و تکلیف‌پذیری نیز بهره‌مند است. لذا با بهره‌گیری از این احساس می‌توان شرایط درونی فرد را به گونه‌ای ترتیب داد که با احساس تکلیف، نه تنها تحت تأثیر شرایط منفی محیطی واقع نشود. بلکه تلاش کند که آن شرایط را تغییر دهد یکی از روش‌های ایجاد احساس مسئولیت، برانگیختن احساس فطری حب ذات و حب حیات است. بدین ترتیب که اگر فرد یقین حاصل کند که عملی خاص نتیجه‌ای منفی یا خطرناک برایش به بار خواهد آورد نسبت به خود و حیات و منافع خود احساس مسئولیت کرده و تحت تأثیر آن عمل یا عامل بیرونی قرار نمی‌گیرد. و بیان نتایج اعمال روشی است که موجب چنین انگیزشی در فرد شده و او را از اعمالی که نتایج نامطلوب در پی دارد باز می‌دارد قرآن کریم در برنامه تربیتی خود، به منظور هوشیار کردن انسان، بیان نتایج و عواقب اعمال را به عنوان روشی سودمند در برانگیختن حس مسئولیت انسان

به کار گرفته است و علاوه بر بیان حالات غیرمؤمنین و کافران و ذکر نتایج و اعمال آن‌ها در دنیا و آخرت، دعاهای آنان به هنگام مواجهه با عواقب اعمالشان و عدم استجاب آن دعاها را نیز بیان نموده است و در واقع با بیان این حالات و این دعاها، انسان را به بازبینی در اعمال و افکار خود فرامی‌خواند. قرآن کریم دعای کفار به هنگام مرگ را چنین بیان می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ. لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (المؤمنون ۹۹ - ۱۰۰). «تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد می‌گوید: پروردگارا مرا بازگردانید شاید من در آنچه وانهادهام کار نیکی انجام دهم نه چنین است، این سخنی است که او گوینده آن است و پیشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد.» و آنان در پیشگاه الهی چنین دعا می‌کنند: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ» (السجدة، ۱۲). «و کاش هنگامی را که مجرمان پیش پروردگارشان سرهاشان را به زیر افکنده‌اند می‌دیدید [که می‌گویند]: پروردگارا، دیدیم و شنیدیم ما را بازگردان تا کار شایسته کنیم چرا که ما یقین داریم. و به هنگام مشاهده عذاب چنین می‌گویند: «رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ» (الدخان، ۱۲) می‌گویند: «پروردگارا این عذاب را از ما دفع کن که ما ایمان داریم». پاسخی که به دعای آن‌ها داده می‌شود چنین است: «...فَادْعُوا مَا دَعَاءَ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ» (غافر، ۵۰). «پس بخوانید ولی دعای کافران جز در بیراهه نیست». گناه موجب شقاوت و عامل گرفتار آمدن در عذاب الهی است و قرآن کریم با هدف عبرت‌آموزی به مخاطبان، دعای دوزخیان و عذرتراشی آن‌ها و تعهدی را که در قبال خروج از عذاب، نزد خدا می‌سپارند چنین بیان می‌کند: «قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ. رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ» (المؤمنون، ۱۰۶ - ۱۰۷) می‌گویند: پروردگارا شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم پروردگارا ما را از اینجا بیرون ببر، پس اگر باز هم به [به بدی] برگشتیم، در آن صورت

ستمگر خواهیم بود». دوزخ نتیجه ترک بندگی و حق و طاعت و هدایت و نیز انتخاب هوی و هوس و باطل و معصیت است و قرآن با تبیین عاقبت این گناهان، در مخاطب خود انزجار و بیزاری نسبت به این اعمال ایجاد می‌کند. روش بیان نتایج اعمال از آن جهت که موجب می‌شود انسان امکان بازبینی در اعمال و رفتار خود داشته باشد و از راه خطا بازگردد روش تربیتی مهم و مؤثری است که قرآن به کار گرفته است.

روش تبشیر:

تبشیر به معنای بشارت دادن به عطا‌هایی است که پس از به دوش گرفتن تکالیف و انجام اعمال مورد رضایت الهی، به انسان عطا می‌شود بشارت موجب امیدواری انسان شده و او را آماده پذیرش تعالیم و تکالیف می‌کند. قرآن کریم در بیان دعا‌های مختلف از روش تبشیر بهره جسته و با بیان دعا‌های مؤمنین و کیفیت آن‌ها و موارد مورد درخواست در آن‌ها و نیز تأکید بر استجابت این دعاها، آدمی را به فضل و عطا و رحمت الهی امیدوار ساخته و او را در مسیر این مؤمنین قرار داده و آماده قبول تکالیف می‌سازد. قرآن کریم در این روش، دعای گروه‌های مختلف مؤمنین را بیان می‌کند. از جمله دعای اصحاب کهف را مطرح می‌کند: «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ فَعَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» (الکهف، ۱۰). زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند و گفتند: پروردگارا ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن و راه نجاتی برای ما فراهم ساز. آن مؤمنان در آن شرایط دشوار توجهی تام به درگاه الهی داشتند و مغفرت و امنیت و رزق و روزی از خدا طلبیدند که به سبب آن جزو هدایت یافتگان در دین باشند (زمخشری، ۷۰۵/۲) و استجابت دعای آنان این شد که نه تنها مورد تأیید خداوند قرار گرفتند بلکه به آیتی الهی جهت هدایت بشر مبدل گشتند. همچنین قرآن کریم خردمندان (اولوالالباب) را به عنوان الگویی مناسب معرفی کرده و حالت عبودیت و تفکر آنان را بیان نموده و وجود آنان را سراسر آگاهی و پیوستگی به خداوند توصیف می‌کند که این آگاهی و تذکر، همه حالات و اطوار آنان

را فرا گرفته و با تفکر عمیق در آفرینش به اهداف و غایات خلقت رهنمون شده و به راز رستگاری و نیز علت سقوط انسان در آتش پی می‌برند و چون چنین بیدار و آگاهند آوای منادی حق را می‌شنوند و تشخیص می‌دهند و بلافاصله ایمان می‌آورند و ایمان عبارت از گرایش و نگاه حرکت به سوی ربوبیت متعال است (طالقانی، ۴۵۱/۵) و توجه به ربوبیت خداوند، زمینه درخواست و انتظار آموزش گنا‌هانی است که انسان را از حرکت ایمانی بازمی‌دارد و عقل و فطرت را تیره می‌سازد. خداوند در مقام ستایش از خردمندان تمام این حالات را برای آنان بیان نموده و دو ویژگی دعا و استغفار را نیز به طور خاص مطرح نموده است تا مؤمنان نیز با درک حالات خردمندان و همراهی آنان با ابرار و حسن عاقبت ایشان، با آنان همراه شده و در مسیر آنان قرار گیرند: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ. رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّأَمَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران، ۱۹۰ - ۱۹۳). «مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه‌هایی [قانع‌کننده] است همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [که] پروردگارا این‌ها را ببه‌وده نیافریده‌ای منزهی تو. پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان دار... پروردگارا ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرامی‌خواند که: به پروردگار خود ایمان آورید، پس ما ایمان آوردیم پروردگارا، گنا‌هان ما را بیامرز و بدی‌های ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران»،

در آیات متعدد دیگری دعای صنوف مختلف مؤمنین مطرح شده اس. از جمله دعای پیروان موسی (یونس، ۸۵ - ۸۶)، حواریون عیسی (المائدة، ۱۱۱؛ آل عمران،

۵۳)، مجاهدین (آل عمران، ۱۴۷)، متقین (آل عمران، ۱۶) و دعای اهل بهشت (التحریم، ۸؛ یونس، ۱۰) که هر یک از این آیات شریفه تصویری خاص با رهنمودی خاص از مؤمنین و حالات و ادعیه آنان ارائه می دهند که موجب ترغیب مخاطبان مؤمن در تمثل به اعمال و تشابه به احوال آنان می گردد «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (البقرة، ۲۴۲). «این چنین خداوند آیات خود را برای شما شرح می دهد شاید اندیشه کنید».

نتیجه

دعا عرصه شناخت خود و خدا وسیله ارتباط عبد و مولی است. لذا یکی از برنامه های تربیتی قرآن کریم است و خداوند در ضمن بیان دعاهای مختلف نه تنها حقیقت دعا و هدف اصلی از آن را که عبارت از درک مقام عبودیت است، معرفی می کند بلکه در بیان این دعاها با توجه به اهداف تربیتی خود و ویژگی های عمومی انسان و با تکیه بر اصول تربیتی خاص، روش های تربیتی موثری را به کار می بندند که موجب اصلاح تأثیر متقابل ظاهر و باطن انسان در یکدیگر و نیز تعامل موثر او با محیط شده و بینش صحیح و عمیق نسبت به جهان هستی اعطا می کند که حاصل آن شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و نیز شناخت انسان و درک عجز و فقر او و ایجاد شوق و اشتیاق نسبت به مؤمنین و اعمال آنان و ایجاد حس تنفر و ترس از نتایج اعمال غیر مؤمنین می شود و به این ترتیب انسان تحت نظام تربیتی قرآن قرار گرفته و به زیور معنوی آراسته می گردد.

منابع

- علاوه بر قرآن کریم و نهج البلاغه؛
- ۱- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، ۱۴۰۴ ق.
 - ۲- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، ۱۹۹۷ م.
 - ۳- احمد بن فهد حلی، عدة الداعی و نجاح الساعی، ترجمه حسین غفاری ساروی، قم، ۱۳۷۵ ش.
 - ۴- امین اصفهانی، نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، ۱۳۶۱ ش.
 - ۵- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ ش.
 - ۶- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تهران، ۱۴۰۴ ق.
 - ۷- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، قم، ۱۴۱۵ ق.
 - ۸- سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
 - ۹- شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، ۱۳۸۲ ش.
 - ۱۰- طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران، ۱۳۶۶ ش.
 - ۱۱- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۳۷۲ ش.
 - ۱۲- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۳۷۲ ش.
 - ۱۳- طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، به کوشش احمد حبیب قصیر العامل، قم، ۱۴۰۹ ق.
 - ۱۴- قائمی، علی، زمینه تربیت، تهران، ۱۳۶۴ ش.
 - ۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، [بی تا]
 - ۱۶- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، ۱۳۶۱ ش.
 - ۱۷- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، ۱۳۶۸ ش.
 - ۱۸- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، تفسیر راهنما، قم، ۱۳۷۵ ش.